

شب یازدهم
محرم الحرام ۱۴۳۵

هیئت دل



صبوری کن زینب... صبوری...

درست همانجا که گمان می بری انتهای وادی مصیبت است، آغاز مصیبت تازه است؛ سخت تر و شکننده تر.

اکنون بناست جگرت را شرحه شرحه بر خاک گرم نینوا بگسترانی تا اسبها بی مهابا بر آن بتازند و جای جای سم ستوران بر آن نقش استقامت بیندازند...

سلام بر لحظه‌ای که تو را از عطر خوش بهشتی‌ات باز شناختم!

سلام بر پیراهنی که بوی غربت مادر را می‌دهد!

سلام بر اجساد مطهری که غریب، بر خاک رها شدند!

سلام بر حنجره خشک و تشنه علی اصغرا!

سلام بر خیمه‌های سوخته، بر بدن‌های جدا شده از سر،

معصومیت خاکستر شده، سلام بر تو برادرا!

صبوری کن زینب....

اگر کسی می گفت: عالمه، اگر کسی می گفت عارفه، اگر کسی می گفت فاضله، اگر کسی می گفت کامله، همه ی ذهنها تو را نشان می کرد و

همه ی دلها به سوی تو برمیگشت....

عاشورای امسال هم اومد و رفت... خداکنه که قشنگ عزاداری کرده باشیم، خداکنه که حرمت مجلس رو نگه داشته باشیم، خداکنه که تو ده شبی که گذشت، گناهامون رو کنار گذاشته باشیم و خداکنه که روز یازدهم، روز شروع دوباره ی معصیت هامون نباشه!

بیاید با خودمون روراست باشیم، انصافا دوباره گناه کردن، پشت پا زدن به همه ی زحمتامون نیست؟! خادم عزیزی که ده شب برای توی هیئت زحمت کشیدی، یه حرکت اشتباه میتونه همه ی ثواباتو به باد بده! شمایی که ده شب خالصانه توی هیئت اشک ریختی و سینه زدی و فریاد کشیدی و آقاتو صدا زدی؛ انصافه که با اون چشم قشنگت که متبرک به اشک اهل بیت شده، نگاه نادرستی بکنی؟ درسته با دستی که باهاش برای مولات به سر و سینه زدی، کار خلافی بکنی؟ درسته از حنجره ای که ده شب "یا حسین" ازش بیرون اومده، حرف زشتی زده بشه؟ به جانِ مادرش زهرا علیها السلام؛ انصاف نیست...

و یه نکته مهم؛ همه میدونیم که آقامون چقدر شب عاشورا اشک میریزن؛ مصیبت های شام غریبان هم کم از ظهر عاشورا نداره؛ پس اگه دیشب یادمون رفت، امشب حتما صدقه بذارید برای آقا...

ساربان را دید جوید شاه را
تا ببرد دست شاهنشاه را

رو به سوی آسمان کرد اشکبار
کآسمان، پنهان کن امشب ماه را

لحظه ای رخسار مه را تیره ساز
ساربان تا گم نماید راه را



هیئت متوسلین به حضرت قاسم بن الحسن علیهما السلام
دیرستان هیئت امنای امام موسی صدر (متوسطه اول) - قم المقدسه